

در تظاهرات ۱۸ جنوری هالند آنچه که گذشت

با سپاس بیکران از انجمن افغانهادر هالند که زحمات خودراکشیده و فریاد علیه بیعدالتی رابه گوش پارلمان ومسولین ذیربط از طریق همین مظاهرات رساندند.نقش سایتها در پخش و مطلع ساختن همه افغانها قابل تمجیدمیباشد. آنچه من دیدم میخوام خیلی مختصروکوتاه از چشم دیدخودبعرض دوستان برسانم.

ازمدتهاانتظارامروزرامیکشیدم درتماسهای تیلفونی با دوستان در موردش صحبت داشته و بهرگونه با هرکی و درهر کجایی بود میخواستم حرف بزنم وهرکی را در جریان بگذارم. امروز از اول صبح امامدگی گرفته با تهیه تکت سوار ترن (ریل) شده یک ساعت قبل از آغازمظاهره انجا رسیدم در صحن استیشن ریل با یکتعداددوستان و اشنایان ادای احترام نموده بعدا دسته دسته بسوی میدان پارلمان در حرکت شدیم با وجودهوای نا مناسب و باران شدیدافغانها جوقه جوقه میامدند. فضا نهایت گرم و دیدار دوستان چنان صمیمی بود که هیچ کس سردی هوا و باران را احساس نمیکرد. اشتراک چیان مظاهره بیشتر کسانی بودند که همچو من مشکل بی سرنوشتی راز سالیان متمادی تحت ماده یی یک اف داشتند خوشبختانه دوستانی مهربانی بودند که بخاطر ابراز دوستی ودلسوزی به این کتگوری اشتراک داشتند. اشتراک کنندگان از هرسن وسال در بین دیده میشد.ریش سفیدان-موی سفیدان-جوانان و اطفال هم بودواقایان میان سال بیشتر جوانان کمترولی باچنانشورواشتیاق که با موجودیت کم خود نقش بیشتر از بزرگسالان بازی میکردند.

فضا واقعا فضای درد بود دردهای بیکران- از دلها سر میداد وفریاد ها بملکوت اسمان میرسید- چهره ها چنان خسته که گویی اجساد بی روح اند و ناتوانایی در وجود همه بیداد میکشید. شخصیت های بر جسته که هر کدام انها جز سرمایه های اصلی وطن ماست چنان سالیان متمادی در رنج ومشقت افسرده شده اندکه گویی هیچ بوده اند بهترین و سوچه ترین کادر ها و شخصیت های رهبری که جز واقعی افتخارات وطنی ما میباشد چنان در آتش تهمت و بهتان سوخته اند که از خاکستر های شان فریاد بر میخیزد - گوشهای نا شنوا را بشنیدن و چشم های نا بینا را بدیدن وامیدارد.ظاهرا بیشترین موها و ریشها سفید-پیشانی ها پر چین وحواسها متلاشی.(این حالت را بیشتر کسی درک میتواند که زهر تهمت نا حق را چشیده باشد).

اما آنچه را میخوام بیان کنم که شاهد ان بودم باطن و قلب های این انسانها بود-با ان همه رنج و عذاب با ان همه شکنجه و تهمت با انهمه ظلم و استبدادو با انهمه جفا که در حق این وطن دوستان واقعی شده با انهم چنان قلب های شان میتپید و چنان دستان شان پاک استوار ونیرو مند بود که تصور میکردی بالای اینها هیچ رنجی و تهمتی اثر گذار نیست حقا مطمئن میشوی که در چنان مکتبی ابدیده گی را اموخته اند که بنام ان افتخار میکنی.

وقتی که بدرون شان نگاه میکنی در میابی این همه نیرو مندی و قوت قلب را نه تنهامانند گذشته بلکه بیشتر از گذشته از چشمه سار وجدان های پاک شان دریافته اند پیش از انکه در این میدان بیابیند به محکمه وجدانهای انسانی خود رفته و سند برایت ان را را خود آورده اند. افتخار و درود بی پایان بههمچو انسانها.....

اشرف هاشمی